

سیر تحقیق قانون و قانونیت طی سده اخیر

مؤلف:

عبدلویس غفار

سال 2020

بخش دوم

۱۲۹۷. ۱۳۰۷ هجری شمسی

مصادف ۱۹۱۹ الی ۱۹۲۹ میلادی

امان الله خان یکی از شاهان وطندوست، ترقی خواه، زحمتکش و متواضع بود که بزودی در راس یک حلقه متجدد دربار قرار گرفت. اولین گروه قابل ملاحظه اصلاح گران «غلام بچه‌های» وابسته به دربار سلطنتی بودند. آنان فرزندان آرمانگرا بزرگان ولایات کشور بودند که در دربار کابل به هدف پیش‌بردن کار حکومت آموزش دیده بودند و تحت افکاروسرپرستی معلمان پیشرو به شمول مسلمانان هندی، شیفته عقاید مشروطیت شدند. تحولات انقلابی (روسیه، ایران و ترکیه عثمانی) تاثیرات مثبت بر جنبش مشروطه خواهان افغان داشت. مرحوم ولی سرور واصف، شاعر و دانشمند وهمکارانش رهبری الهام‌بخش سازمان را فراهم کردند. مشروطیت اول محصول رنج، درد و آرمان‌های مردمان محکوم در زیر اقتدار رژیم‌های خودکامه خوانده شده است. در این راستا آثار آفریده شده پیش‌گامان مشروطیت اول از جایگاه ویژه و جاودانه برخوردار است.

اهمیت ظهور مشروطیت اول در آن است که علاقه‌مندان مطالعه تاریخ و نسل جوان را در آشنایی بیش‌تر به تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرن بیست و یکم می‌بخشد تا در روشنایی آن به معرفی هرچه بیش‌تر پیشکسوتان این نهضت، پژوهش‌های عمیقی را انجام دهند و دریافته‌هایشان را با دیگران در میان بگذارند.

سراج‌ال‌اخبار افغانستان نقش بیدارکننده در راستای سیاسی ادا نمود. خوب درخشید و نیروهای تحصیل کرده را به گرایش‌های آزادی و بیداری سیاسی باورمند گردانید. مقاصد سیاسی‌شان بصورت عموم بر موضوعات ذیل متمرکز بود:

- پیروی از ارزش‌های اسلامی - استقرار نظام مشروطه - گسترش اخلاق نیکو
- حُسن تفاهم - تلاش در راه اصلاحات - پخش معارف - راه‌اندازی انتخابات
- حصول استقلال سیاسی - عدالت اجتماعی - توسعه صنایع

هرچند تعداد مشروطه‌خواهان در میان اکثر جامعه بیسواد، به چند صد نفر محدود می‌شد، چون آنان با اعتماد به نفس، عقاید انسانی و وطن پرستانه شان که از شرایط آن زمان مردم رضایت نداشتند، سازمان پیشرو مشروطه خواهی جمعیت سری ملی ایجاد کردند (غبار، ص ۷۱۷). اهداف اساسی شان : یک سلطنت مشروطه و مجلس ملی منتخب بود، همچنین در تلاش استقلال کامل از سلطه خارجی، عدالت اجتماعی و ایجاد مدنیت «عصری» بود. طرزی نویسنده پرکاری که در سوریه تحصیل کرده بود، در حقیقت میتوان گفت که پدر فکری ناسیونالیسم افغان بود. موصوف سراج‌ال‌اخبار را به ابزار کارآمد برای تبلیغات علیه امپریالیسم بریتانیا، جهت ترویج ناسیونالیسم افغان، و برای تبلیغ ایده‌های پیشرفته و اتحاد مشابه به آنچه توسط جوانان ترک در استانبول در پیش گرفته شده بود، تبدیل کرد. سراج‌ال‌اخبار نقش مهمی را در تنویر اذهان جوانان افغان داشت. هرچند اکثر رهبران به حصول این اصلاحات از راه‌های مسالمت‌آمیز امیدوار بودند، اما در نشست شاخه نظامی این گروه تصمیم گرفته شد تا همه اعضا با خود یک تفنگچه (اسلحه کمری) حمل کنند (غبار، ص ۷۱۷). جاسوسان به امیر اطلاع دادند که هدف واقعی آنان ترور او و ایجاد یک «دولت مشروطه» است. او نسخه‌هایی از تصمیم‌گیری اعضای جنبش و فهرستی نام مشروطه‌خواهان را به دست آورد. هشت تن آنان به شمول سرور واصف اعدام و ۳۵ تن دیگر زندانی کرد که همه این احکام بدون حکم محاکمه اجرا شد. مشروطه‌خواهان با اعتقاد راسخ با روحیه دوییتی معروف سعدی بود که توسط سرور واصف در لحظات پیش از مرگش بیان داشت: ترک مال و ترک جان و ترک سر، در ره مشروطه اول منزل است (غبار ص ۷۱۸-۷۱۷).

مشروطه‌خواهان با ایجاد حلقه های کوچک به مبارزه خویش مخفیانه با تحریر (شب‌نامه) ادامه دادند. تا اینکه شاه را در جریان شکار در ولایت لغمان در فبروری سال ۱۹۱۹ میلادی کشتند (غبار، ص ۷۴۱).

چون امان الله در بین مردم و روشنفکران از محبوبیت خاص برخوردار بود و با جنبش روشنفکران ارتباط داشت، موصوف را به پادشاهی قبول نمودند و به کمک ارتش در (۲۲ فوریه ۱۹۱۹ میلادی) به قدرت رسید. شاه تجدد طلب و توسعه پسند افغانستان دست به اصلاحات بنیادی در بخشهای فرهنگ، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای جامعه زد و به کمک روحانیت سنتی روستانشین و نوگرایان باورمند به ناسیونالیسم افغانی توانست استقلال افغانستان را از انگلیس‌ها بگیرد.

موصوف اولین شاه کشور بود که با افکاری مترقی، از دموکراسی، آزادی فردی، عدالت، برابری و برادری، ترقی و پیشرفت سخن زد. چنانچه از جمله مرامهای مشروطه خواهان تاملین حاکمیت ملی و حاکمیت قانون بود.

اعلیحضرت امان الله خان در (۲۳ فبروری ۱۹۱۹ میلادی مصادف با ۱۱ حوت ۱۲۹۷ هجری) سلطنت خود را اعلام و در (۲۸ فبروری ۱۹۱۹ مصادف ۱۶ حوت ۱۲۹۷ هجری)

توسط اعلامیه های مفصل چاپی مردم افغانستان رامخاطب نموده مرام خود را شرح داد خلاصه این اعلامیه:

ای ملت معظم ! وقتیکه ملت بزرگ من تاج شاهی را بر سر من نهاد، من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت های مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد، ملت افغانستان در داخل کشور آزادی کامل داشته و از هر گونه تجاوز و ظلمی محفوظ و مردم فقط باید مطیع قانون باشند و بس. کاری اجباری و بیگاری در تمام رشته ها ممنوع و ملغی است. حکومت ما در افغانستان اصلاحاتی خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتواند در بین ملل متمدن جهان جای مناسب مقام خود را حاصل نمایند... افغانستان ازین به بعد کشور آزاد و دارای استقلال خارجی میباشد. از آزادیهای فردی، مساوات، برادری و برابری، آزادی ملت و تامین امنیت، عدالت و صداقت یاد آور گردید.

امان الله بعد از تصفیه حساب بانگلیس و گرفتن استقلال کشور، متوجه ریفرم و تحولات داخلی گردید. جهت ایجاد نظم و رعایت حقوق مردم در همه امور، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بتصویب نظامنامه ها اقدام نمود. نخستین قانون اساسی کشور را توسط جرگه تصویب نمود. در عرصه قوانین جزایی با احتیاط اقدام نمود. ابتدا تمسک القضاة در مسایل جزایی (حصه دوم) در چهارده باب در سال (۱۳۰۰ هجری شمسی) نشر نمود. این اثر علمی حقوقی که هدفش ایجاد هم آهنگی در فیصله های محاکم بود، به همکاری علمای آن زمان و استفاده از کتب معتبر فقهی مانند هدایه، قاضی خانی، فتح القدیر و سایر آثار فقهی. حقوقی استفاده شده بود، که میتوان آنرا یکی از آثار ارزشمند حقوقی بشمار آورد.

امان الله خان در مقدمه این کتاب نوشت: (چون کتب فقه این زمان دارای اقوال و روایات به عبارات عربی بوده، استخراج حکم معلوم الصحه و حادثه از آنها... دارد، که از عموم حکام و کارداران دولت، بلکه از خصوص سایر قضات و مفتیان امید کرده نمی شود، امر فرمودم تا علمای حضور روایات صحیحه مذهب حنفی را مطابق معمول فرصت حال یکجا کرده و به زبان فارسی تدوین نمایند. حسب الحکم «تمسک القضاة الامانیه» را تدوین نمودند. تمام مسایل و روایات آن به نظر دقت شاهانه ام رسید، حکم فرمودم که قضات محاکم حقوقی و جزایی و احکام ادارات، در فیصله دعاوی و مرافعات احکام مندرج کتاب موصوف را معمول داشته از روایات دیگر در کتب و مجموعات صرف نظر نمایند و اگر حادثه واقع گردد که مشخصه حکم آن در مسایل مذکور کتاب مذکور نباشد فیصله حکم مذکور را معطل کرده کیفیت محض و صورت حال آنرا کاملاً به حضور وزارت عدلیه امریست که کیفیت ارسال قضات را بلا معطل تقدیم حضور انور پادشاهی بدارد تا به اتفاق

محفل شورای علوم تعیین حکم غیر مذکور فرموده شود. بعد از امضای پادشاهی برای تکمیل مسایل کتب داخل آن کرده شود. انشاء الله تعالی .)

. در مسایل جزایی نیز از جانب احتیاط کار گرفته شد. و مجازات از پیش تعیین شده در روند اصلاحات تغییر نکرد. در قسمت تعزیرات اصدار حکم به رأی امام و اولامرواگذار گردید. که بر اساس همین طرز دید نظامنامه های مختلفی تدوین گردید. همچنان در مورد واگذاری به رأی امام و اولامر، در نظامنامه های جداگانه تذکر گرفته است: برای احکام تعزیرات شرعیه که حدود معین نداشته، مفوض به رأی امام و اولامراست. به همینگونه نظامنامه های جداگانه ملکی، نظامی اجتماعی تدوین گردید، اندازه و مقیاس تعزیر هرگونه جرایم (قباحت، جنحه و جنایت) در آن بصورت مفصل درج و تحریر گردید. تا قضات افغانستان در حکم جزاء تقلید از مواد قضایی (تمسک القضاة الامانیه) و پیروی فقرات (نظامنامه های جزایی) را در احکام تعزیر رعایت کرده و از صدور حکم خلاف شریعت و دور از واقعیت جلوگیری صورت گیرد. طوری که یادآوری شد قوانین فقط در عرصه حقوق عامه مورد اقتباس قرار گرفت و دامنه این اقتباس در دوران زمامداری شاه امان الله به عرصه حقوق خصوصی کشانیده نشد. از جانب دیگر، اینکه مسئولین دولتی آنزمان چرا بجای نام قانون از نظامنامه استفاده کردند، دلایلی بیشماری برای این کار خود داشتند. از یکطرف موجودیت دید محافظه کارانه طیف های مذهبی. سنتی و واکنش اقشار به شدت مخالف این گونه اصلاحات را میتوان بشمار آورد. از جانبی هم شاه امان الله و همکاران اصلاح طلبش در این خصوص از نهایت احتیاط و محافظه کاری کار می گرفتند. تا ذهنیت و افکار به شدت سنتی مردم را مغشوش نساخته، و موجب واکنش های شدید مردم نگردند.

در خصوص گزینش نام نظامنامه به عوض قانون، محمود طرزی در یکی از مقالات خود می نویسد: (در مملکت عزیز ما کلمه قانون راضد شرع دانسته و مخصوص قضاء پنداشته اند. و اگر کدام قانون هم وضع شده باشد آن را قانون نه، بلکه «دستور العمل» یا نظامنامه گفته اند.)

در دوره شاه امان الله بنا بر طرح یک استراتژی گسترده در عرصه آوردن اصلاحات حقوقی، رعایت جو محافظه کارانه جامعه و احتیاط از برانگیختن مردم ذریعه تحریک قشر روحانیون محافظه کار و سنتی، نام نظامنامه که قرابت نزدیک با قانون از نگاه مفهوم داشت به جای قانون برگزیده شد. گزینش نام نظامنامه با رعایت دلایل بالا یک وجه دیگری نیز داشت و آن اینکه اقتباس حقوق اروپایی قاروی (سیستم حقوقی رومن- ژرمنیک) بصورت غیر مستقیم از طریق ترکیه به افغانستان رسیده و در ترکیه بیشتر از نظام حقوقی آلمان، اتریش و سوئیس استفاده صورت گرفته بود.

در طول سلطنت امان الله خان بر علاوه نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان که حکم قانون اساسی افغانستان را داشت بیشتر از (صد) نظامنامه دیگر تدوین گردیده، با توجه به اهمیت روند قانونگذاری این دوره یکی از درخشان ترین دوره ها در تاریخ حقوقی افغانستان بشمار میرود. سقوط سلطنت شاه امان الله رانیز باید پایان عصر تطبیق و رعایت قانون دانست. با سقوط شاه امان الله گویی تمام آن نظامنامه ها به تاریخ سپرده شد.

علاوفا جهت تصویب سایر قوانین، شورای دولت را که مرکب از نمایندگان انتخابی و انتصابی بود، بوجود آورد که بطور خلاص از قوانین ذیل میتوان نام برد:

. قانون تشکیلات اساسی که وظایف و اختیارات شورای دولت و مجالس مشوره ولایات را تنظیم نموده بود .

. قانون جلوگیری از آزادیهای بی حد و حصر قضات که بنام (تمسک القضاء امانیه) یاد میشد که جزای هر جرم پیشبینی شده بود. که خود یک تغییر عمده و فقهی در افغانستان بود، که بعداً با مخالفت متعصبین مذهبی و دشمنان آزادی و عدالت واقع شد.

. محاکم علنی اعلان گردید. و علاوفا در دعاوی حق الله و حق العبد جدا گردید.

. قوانین دیگر مانند القابها و نشانها . تذکره نفوس . تعمیرات دولتی . تفریق وظایف حکام و مامورین . تقاعد . تشویق صنایع . محابس . تعلیم و تربیه . خدمات عسکری . تعلیمات نظامی . زراعت للمی . فروش املاک دولتی . قونسلها . محاکم شرعی . معاملات تجارتنی . تعزیه داری . مکاتب خانگی . مطبوعات . مقیاسات . محصول مواشی . نکاح و ختنه سوری . مامورین دولت . جزای عموم . جزای عسکری . مالیات . ودها نظامنامهء دیگر. در شورای دولت جهت ترتیب پروژه های قانون و تصویب قوانین مترقی از دانشمندان ، حقوقدانان ، روشنفکران و مشاورین ترکی که تجربه بیشتر در زمینه داشتند، استفاده میگردد.

با اینکه تفکیک قوای ثلاثه (اجرائیه ، مقننه و قضائیه) بوجود آمده بود. بصورت عموم در راس هر سه قوه شاه قرار داشت و وظیفه صدر اعظم رانیز خودش عهده دار بود. به گمان اغلب نسبت قلت کادرهای ورزیده، و اینکه بتوانند افکار و نظریاتش را درک و در عمل تطبیق خواهند نمود شک و تردید داشت ، به همین لحاظ رهبری هر سه قوه به خصوص قوه اجرائیه را شخصاً پیش میبرد. علاوفا در جهت رفاه عمومی و اعطای حقوق و آزادیهای مردم توجه لازم مبذول میداشت چنانچه آزادیهای ذیل را در قانون اساسی پیشبینی نمود:

. ماده هشتم: همه افراد یکه در مملکت افغانستان میباشد بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشود.

. ماده نهم: کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و نظامات سیاسی دولت پابند بوده و آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند.

. ماده دهم: حریت شخصیه از هرگونه تعرض و مداخله مصئون است، هیچکس بدون امر شرعی و نظامات مقننه توقیف و مجازات نمیشود. در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است.

. ماده شانزدهم: کافه تبعه افغانستان به حضور شرعیت و نظامات دولت در حقوق و وظایف مملکت مساوی دارند.

. ماده بیست و دوم: مصادره و بیگاری به صورت کل تحریم شد.

. ماده بیست و چهارم: شکنجه و انواع زجر ممنوع گردید و مصئونیت منزل و مکالمات تامین شد.

به همین ترتیب دهها قوانین دیگر راجهت بهبود وضع زندگی مردم و ایجاد نظم جامعه تصویب و درجهت تحقق آن کوشید.

شاه درجهت بلند بردن ارتقاء سویه و ترقی جامعه بر علاوه سایر بخشها در باسواد سازی اتباع کشور تپ و تلاش بسیار نمود.

. طبق ماده شصت و هشت قانون اساسی، معارف تا درجه ابتدائیه اجباری شد. مکاتب متعدد دختران و پسران در مرکز و ولایات کشور احداث، ورشته های متعدد علوم متداوله آنزمان را رایج نمود.

در قسمت آزادی زنان توجه خاص صورت گرفت، بر علاوه رفع حجاب زنان، یک تعداد دختران و زنان را جهت ادامه تحصیل به خارج کشور اعزام نمود. همچنان هیچ مامور دولت حق نداشت چهار زن داشته باشد. از ایجاد ریفورمها بخاطر آزادی زنان، مرتجعین، فیودالها و متعصبین مذهبی کشور و انگلیسها سئواستفاده نموده و شاه را بنام بی ناموسی و کفر متهم نمودند. علیه موصوف شورش های را بکمک دول خارجی سازمان داده شد. تا آنکه دولت سقوط نمود. شاه با داشتن افکار مترقی درجهت رعایت حقوق انسانها در آنزمان نظامنامه مهاجرین را تصویب و به معرض اجرا گذاشت. شاه علاقه وافربه پیشرفت و متمدن شدن کشور داشت، چنانچه قراردادهای متعدد با کشورهای مختلف در راه اعمار خط آهن از شمال بطرف جنوب، احداث استیشنهای برق جلال آباد، پغمان و کندهار، احداث فابریکات چرمگری، باروت سازی، سمنت، گوگرد، پرزه سازی و ترمیم عراده جات، نجاری، نختابی روغن، صابون، نساجی، قند سازی، لبنیات، یخساز و استخراج معادن

مختلف به شمول احداث یک پروژه ذوب آهن را به امضاء رسانیده بود، اما افسوس که بازهم دشمنان وطن و مردم که قرن‌ها دین و مذهب رابھانه قراردادہ و مخالف ترقی و پیشرفت میباشند، مانند امروز وطن ما رابہ جنگ ویرانی کشانیدند.

شاه کہ مخالف جنگ و قتل و کشتار هموطنان خود بود با حوصلہ مندی پسشنهاد دشمنان ترقی و مردم کشور را کہ شامل ۱۹ فقرہ بود، در حالیکہ اغتشاش و بغاوتها را در بعضی نقاط کشور شروع نموده بودند، در جرگہ کبیر قبول نمود. کہ فشرده آن قرار ذیل میباشد:

. تعیین مجازات قانونی قبل از وقوع جرم ممنوع است.

. ممنوعیت نکاح صغیر جایز است.

. زن باید در خانہ تحصیل کند نہ در مدرسہ و یا مکتب.

. ملا در محاکم شهری شامل اعضای محکمہ باشند.

. در مکاتب و مدارس قبل از لسان خارجی، شرح عقاید و دنیات خوانده شود.

. محتسب بہ احتساب پردازد.

. دارالعلوم عربی تاسیس شود.

. امور ملا و موذن مساجد تنظیم گردد.

. آزادی فردی عبارت از آزادی در امور شخصی، نہ در امور دولتی و مذهب و دیانت

. در طرح دعاوی شرعی داشتن تذکرہ تابعیت شرط نیست.

. ازدواج یک مرد با چهار زن درست است

. در خدمت زیر بیرق عوض خدمت بدل نقدی دادن درست است.

. مکاتب حفظ قرآن کریم بدون تغیر بماند.

. بخشهای دیگر شامل حجاب، عدم اعزام دختران بہ خارج کشور.. این رفورم‌هایی کہ از طرف مرتجعین و متعصبین مذہبی بالای دولت تحمیل شد و ضربه شدیدی بود کہ بر رشد و ترقی، علم و پیشرفت، آزادی و دیموکراسی، رفاء و آسایش مردم و نظم و قانونیت در کشور وارد گردید. و سبب خانہ جنگها قتل، کشتار، تخریب و ویرانی گردید.

شاه امان الله آرزو داشت که افغانستان را به شاهراه پیشرفت و ترقی سوق دهد ، تا مردم کشور ما از فقر و غریبی رهایی یابد، و بیشتر از این مردم مسلمان ما در قید افکار خرافاتی متعصبین مذهبی باقی نمانند ، جامعه بدوی ما در پهنای قانون و قانونیت که ایجاد کنندهء نظام عدالت، برادری و برابری میباشد، به طرف ترقی و تکامل رهسپار گردد. چنانچه قوانین متعدد در عرصه های مختلف تدوین نمود. جهت تحقق اهداف فوق اقدامات عملی انجام داد. اعمار و ایجاد نهاد های اقتصادی، احداث پروژه های متعدد، عقد پروتوکولها جهت اعمار تاسیسات عامل المنفعه و غیره که قبلا یاد آور شدم ، مثالهای آن میباشد. اما افسوس که تندروان اسلامی، متعصبین مذهبی مانند (نورالمشایخ و فخرالمشایخ) و مریدان شان جهت تغییر افکار مذهبی مردم مسلمان وطن، علیه دولت ، تحت نام اینکه الحاد و کفر توسط شاه امان الله در وطن آمده است، بغاوت نمودند. در حالیکه شاه علیه خرافات، ظلم و ستم و جهالت مبارزه میکرد تا با ایجاد حکومت نظم و قانون جامعه را بطرف عدالت، برادری، برابری، آزادی های فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بخصوص آزادی قشر محروم جامعه ما (زنان) رهنمائی نماید. اما بدبختانه دشمنان ترقی و عدالت که تاجران دین و مذهب میباشدند، پدیده ظلم و ستم را دوباره در وطن ما آوردند و ابرهای سیا دوباره سایه افکند. اندیشه مردم افغانستان شد.

اولم دلد